

در محله

بزرگ‌ترین هدیه به شهر لبخندتوست؛ آن را هدیه کن!



«دوباره لبخند ۶» عنوان طرح خلاقانه‌ای است که توسط شهرداری منطقه ۶ا هدف اشاعه امید و شادی در فضاهای شهری قلب پایتخت اکران می‌شود. مشاور و مدیر روابط عمومی منطقه ضمن اشاره به اجرای طرح «دوباره لبخند ۶» در شهرداری قلب پایتخت گفت: «ما روز به دلیل پیچیدگی زندگی شهری و مشکلات، ناخواسته فرصت خندیدن در زندگی را از دست داده‌ایم و شهروندان شهر صرفاً به مردمی در حال شتاب برای انجام امور روزمره تبدیل شده‌اند.» مهدی بابایی افزود: «ضرورت دارد با اجرای کارهای خلاقانه که حضور مردم در آن بررنگ است، پیوند بین شهر و شهروندان را برنقادهیم. با همین هدف در نخستین قدم تلاش کردیم با به اشتراک گذاشتن لبخند شهروندان در بلبوردهای شهر حس و حال خوب به رهگذران در این فضای شهری هدیه دهیم و یادآوری کنیم که حضور شاد و لبخندشان می‌تواند چهره شهر را زیباتر کند.» مدیر روابط عمومی منطقه، در ادامه با اشاره به ضرورت اجرای برنامه‌های بیشتر برای افزایش نشاط در شهر اظهار کرد: «برنامه‌های متعددی برای افزایش نشاط در بخش مرکزی تهران در نظر گرفته‌ایم، باید فضاهای شهری را زنده نگه‌داریم و شهر را به مکانی تبدیل کنیم که به افراد احساس هویت و حس تعلق بالا دهد و موجب غرور و شادی شهروندان شود. این طرح هر هفته همزمان در فضای مجازی و محدوده شهر با شمار «بزرگ‌ترین هدیه به شهر لبخندتوست؛ آن را هدیه کن» اکران می‌شود و شهروندان می‌توانند برای اشتراک‌گذاری عکس لبخندشان با دیگران، تصاویر خود را به نشانی info@region6.tehran.ir ارسال کنند.

خبیر

خبیر خوش‌بختی برای دوچرخه‌سواران حرفه‌ای

آسفالت‌ریزی با کیفیت بلوار غربی استادبوم آزادی

معاونت فنی و عمرانی شهرداری منطقه ۲۲ از اتمام عملیات آسفالت‌ریزی در محور غربی بلوار ورزشگاه آزادی خبر داد.

این محور در مجاورت ورزشگاه آزادی قرار دارد و دوچرخه‌سواران و مسایر ورزشکاران رشته‌های مرتبط برای تمرین و تردد از این مسیر استفاده می‌کنند. این محور به‌دلیل بارندگی و فرسایش ناهموار بود و ورزشکاران از این موضوع گله داشتند که توسط شهرداری منطقه ۲۲ مناسب‌سازی و آسفالت‌ریزی شد.

معاون فنی و عمران شهردار منطقه ۲۲ درباره این اقدام توضیحات بیشتری ارائه داد و گفت: «با توجه به ورود به فصل بهار و استفاده بیشتر ورزشکاران از این محور و همچنین بهره‌برداری و افتتاح فدراسیون کشتی‌و واقع در ضلع شرق بلوار غربی استادبوم آزادی با سرعت و کیفیت بالایی انجام شد. این عملیات عمرانی در مساحت ۴هزار و ۵۰۰ مترمربع اجرا و بیش از ۶۵۰ تن آسفالت به کار رفته است.»

مجتبی رشیدی همچنین به رکورد بی‌سابقه این منطقه در زمینه آسفالت‌کردن معابر در ۱۰ سال گذشته اشاره کرد و افزود: «در سال گذشته بیش از ۴۰ هزار تن در معابر این محدوده آسفالت‌ریزی شد که به نوعی تحولی در معابر‌سازی و نوسازی آسفالت معابر قدیمی شکل گرفته است.»

همین‌حوالی

ساماندهی ۲۱ نقطه ناامن در تکه سیزدهم پایتخت

فرقی نمی‌کند کجا باشید، محدوده یک زمین بازی یا حاشیه بوستان کافی است که در گذر زمان بی‌توجهی به آن صورت بگیرد تا به فضای بی‌دفاع شهری تبدیل شود. این فضاها در نواحی ۴ گانه منطقه ۱۳ کم‌نبودند.

مدیران شهری معتقدند آرامش و امنیت یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در بهبود وضع محله‌هاست، اما وجود نقاط بی‌دفاع شهری باعث می‌شود تا این آرامش از ساکنان سلب شود. به همین دلیل مسئولان تکه سیزدهم پایتخت برنامه بازدید از فضاهای بی‌دفاع شهری را به اجرا گذاشتند. در این میان ۲۱ نقطه به‌عنوان محدوده ویژه انتخاب شد تا طرح ساماندهی در آن اجرا شود. اقدامات در این مکان‌ها شامل پیگیری ارتقای روشنایی، طراحی فضای سبز، فنس‌کشی، پیاده‌روسازی و طراحی زمین بازی در بین مسیلهای منوجهی و جاجرود در ناحیه ۲؛ بازپیرایی و بهسازی بوستان خیام؛ تیغه‌کشی و دیوارچینی پارک خاقانی؛ جمع‌آوری نخاله‌ها و حذف یکی از گاردریل‌های مربوط به زمین خیابان دماوند و تبدیل آن به پارکینگ و غیره می‌شود. محمدهادی علی احمدی، شهردار منطقه ۱۳ می‌گوید: «برای بهبود شرایط نقاط بی‌دفاع شهری، باید برنامه‌ریزی‌هایی برای استفاده از تجهیزات امنیتی مناسب، مطلوبیت‌بخشی به فضاها و از بین بردن موارد رها شده و موانع دید صورت گیرد.»



در شهر



پاکبانی که به اسمش قسم می‌خورند

صداقت پورعباسی، معتمد قدیمی منطقه ۱۷ با افتخار از پدر پاکبانش یاد می‌کند که معتقد بود هیچ‌چیز بالاتر و بهتر از خدمت به خلق خدا نیست

ابودر چهل‌امیرانی روزنامه‌نگار

شناسایی و پیگیری مشکلات محله زمزم را از پدر پاکبان خود به یادگار برده است. صداقت پورعباسی با افتخار از پدرش یاد می‌کند و معتقد است هیچ‌چیز بالاتر و بهتر از خدمت به خلق خدا نیست. پدرش زمانی که از رفت‌وروب و نظافت کوچه‌ها و خیابان‌های محله به خانه می‌آمد، به جای استراحت، لباس‌های خود را عوض می‌کرد و به سازمان‌های مختلف رفت تا پیگیری مشکلاتی باشد که در محله دیده یا از زبان هم‌محله‌ای‌ها شنیده است.

بیشتر اوقات هنگامی که مردم پورعباسی پیگیر امور مردم و محله بود، «صداقت» با او همراه می‌شد و در همین وقت‌وآمد به نهادهای واد‌های مختلف بود که یاد گرفت هر مشکلی را باید کجا و از چه طریقی پیگیری و حل کند. حالا حدود ۲۰سال است که معتمد ساکنان محله زمزم است و اهالی به‌قدری به او اطمینان دارند که به اسمش قسم می‌خورند.

مشکل‌گشای اهل محل

داود محمدی، ۳۶سال پیش با پورعباسی و خانواده‌اش آشنا شد. او می‌گوید: «صداقت مثل پدرش پیگیر حل مشکلات مردم است و در این راه از وقت، استراحت و جیب خود مایه می‌گذارد. مدام در حال سرکشی به کوچه و خیابان‌های محله زمزم است و تقاضای کمک و مشکلات را شناسایی و به مسئولان اداره‌های ذی‌ربط اعلام می‌کند. نمونه‌اش، بوی مشتمن‌زکننده

جوی‌های آب محله زمزم بود که با پیگیری او، بخشی از جوی‌ها از سوی مسئولان شهرداری سروشیده و برخی هم به کانئو تبدیل شدند.» وی ادامه می‌دهد: «اهالی به‌محض دیدن مشکلی در محله، سراغش می‌روند و با اینکه خانه‌اش آسانسور ندارد، ولی بارها شده از پله‌ها پایین می‌آید تا بسا مردمی که به در خانه‌اش می‌آیند، صحبت و چساره‌ای برای حل مشکلات مردم پیدا کند. من هم مثل خیلی از ساکنان محله، هر وقت با کمبود و مشکلی در محله مواجه شوم، سراغش می‌روم و از او کمک می‌گیرم.»

مردمدار مثل پدر

عباس سلیمانی از ساکنان قدیمی محله هم می‌گوید: «بعد از پیروزی انقلاب با پورعباسی و پدرش آشنا شدم. پدرش هر کاری برای رفاه اهالی انجام می‌داد و پورعباسی هم مثل او بودن در یافت هیچ دستمزدی، این کارها را انجام می‌دهد. خوشبختانه در این سال‌ها مشکلات زیادی با پیگیری او کودک در محله یکی از آنها افزایش فضای سبز این محله بوده است.» وی ادامه می‌دهد: «متأسفانه، محله زمزم در ضلع جنوبی منطقه ۱۷ واقع شده و توجه چندانی به آن نمی‌شد. این محله از سرانه‌های شهری به‌خصوص فضای سبز نچ می‌برد تا اینکه پورعباسی و جمعی از اهالی و معتمدان محله پیگیر این موضوع شدند و پوستانی با عنوان «طلایه» در محله ما ساخته شد. چندی پیش هم بوستان مادر و کودک در محله زمزم راه‌اندازی شد و بوستان‌های معراج، هویزه، دانش و کوثر هم مناسب‌سازی شدند.»

سلیمانی می‌گوید: «البته، پورعباسی نه تنها در محله زمزم، بلکه در مسجدقبرنی‌هاشم(ع) هم به مردم خدمت می‌کند و عضو هیأت امنای حسینیه

بنیانگذار قطب علمی -درمانی کودکان ایران را کمتر کسی می‌شناسد

قهرمان شهر ما گمنام است

«چهارشنبه، دهم آبان ۱۳۴۷... که مصادف با عیدبزرگ میعت بود این قرآن را به مرکز طبی کودکان آورد و به فضل خدای متعال و همکاری کارکنان این مرکز، موفق به تکمیل وسایل و تجهیز شدیم. بازندهم آبان‌ماه ۱۳۴۷ مصادف با شب میلاد حضرت قائم مرکز طبی را افتتاح و باشد که از این جهت مورد پسند و رضایت خداوند گردد.» این دست‌خط دکتر حسن اهری، بنیانگذار مرکز طبی کودکان است که بر حاشیه قرآن کریم می‌نویسد روز افتتاح با خود به این مرکز می‌آورد تا بعد از این با اقدامات او و پزشکان دلسوز، حوزه بهداشت و درمان کشور وارد مرحله‌ای جدید شود که در آن مرگومیر کودکان به‌دلیل نبود امکانات پزشکی، ناآگاهی جامعه و... به کمترین میزان برسد.

نصبیه سجادی روزنامه‌نگار

دکتر حسن اهری، از دانش‌جویان موفق و ممتاز، وقتی درجه استادی طب اطفال را از دانشگاه‌های مطرح ایران و جهان می‌گیرد، هم و غمش می‌شود درمان بیماری و کاهش مرگومیر کودکانی که اغلب به‌دلیل ضعف

دانش پزشکی و کمبود تجهیزات مدرن در کشور به‌وقوع می‌پیوست. پس باید کاری می‌کرد. سال ۱۳۳۷ همراه دکتر محمد قریب، بنیانگذار طب نوین اطفال ایران، برای شرکت در نهمین کنگره بین‌المللی بیماری‌های کودکان به کانادا و آمریکا می‌رود. در بازدید از بیمارستان‌های کودکان آنجا به این نتیجه می‌رسد که با استفاده از ظرفیت خیران کوچک و بزرگ می‌توان در حوزه بهداشت و درمان تحولی شگرف ایجاد کرد، همان کاری که این کشورها سال‌ها بود انجام می‌دادند. پیشنهاد ساخت نخستین و پیشرفته‌ترین مرکز طبی کودکان را همان زمان به دکتر قریب، دوست و هم‌راهش، می‌دهد و این می‌شود نخستین گام در ساخت نخستین قطب درمانی اطفال کشور در بلوار کشاورز منطقه ۶ تهران که همچنان بعد از ۶۰سال در زمینه درمان کودکان ایران حرف‌اولی‌ها می‌زند.

پزشکی که کارگری می‌کرد

دکتر علی ربانی که سال‌ها ریاست مرکز طبی کودکان را بر عهده داشته و اکنون هم رئیس انجمن غدد ایران است، می‌گوید: «وقتی هنوز بیماری‌های هموفیلی و سرطان در کشور ناشناخته بود

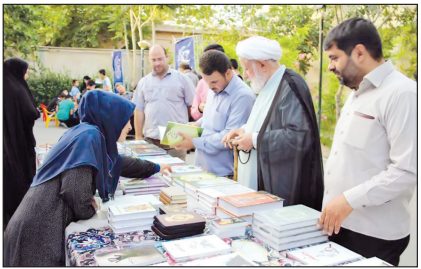
همیشه‌ری

پچه‌های مسجد

از دورهمی علمی و دوستانه جوانان تارا اندازی مهد کودک محلی

چند سالی بود که اهالی محله کیششهر برنامه‌ها و جلسات مذهبی‌شان را در خانه‌های همدیگر برگزار می‌کردند و هیبتی داشتند به‌نام حضرت قریه(س). سال ۱۳۵۸ که زمینی برای ساخت یک مسجد به کیششهری‌ها تعلق می‌گیرد اهالی دست به‌دست هم می‌دهند تا محله‌شان را که تا آن زمان بدون مسجد بوده صاحب مکان مقدسی برای مناسک و مناسبت‌های مذهبی کنند. مسجد ساخته و به نام مبارک حضرت قریه(س) مزین می‌شود. از همان سال یونس ستاری، امامت مسجد را بر عهده دارد. این مسجد مثل بسیاری از مساجد پایتخت کتابخانه خوبی دارد. اما متفاوت از کتابخانه‌های دیگر مساجد، پر از کتاب‌های درسی و آموزشی است که باعث شده کتابخانه پاتوقی برای دورهمی‌های دوستانه و علمی جوانان و نوجوانان باشد.

اینهارا حمید ستاری، فرزند امام‌جماعت این مسجد، می‌گوید ادامه می‌دهد که دانش‌آموزان دختر و پسر از کتاب‌های آموزشی کمک‌آموزشی برای تقویت پایه علمی‌شان استفاده می‌کنند، محیط کتابخانه هم فضایی دنج و آرام در اختیارشان قرار می‌دهد که بتوانند لحظات خوب و آموزنده و پربرای آنجا داشته باشند. در کنار آن، بچه‌های ضعیف‌تر هم شناسایی می‌شوند و با استفاده از توان علمی جوانانی که عضو پایگاه بسیج این مسجد هستند برای آنها کلاس‌های تقویتی برگزار می‌کنیم. به کودکان هم بی‌توجه نبوده‌ایم و مهدکودکی راه‌اندازی کرده‌ایم که شاید خیلی بزرگ نباشد ولی فضای شاد و رنگ‌آمیزی زیبای درودیوار آن باعث شده که بسیاری از خانواده‌ها ترجیح دهند کودکان‌شان را اینجا بیاورند تا از برنامه‌های آموزنده و متنوع بهره‌مند شوند. مسجد حضرت قریه(س) انطور که ستاری می‌گوید بعد از کرونا می‌خواهد که استفاده از توان جوانان، فعال‌تر از پروتون‌تر از گذشته شروع کند و رنگ و روی متنوع‌تری به فعالیت‌هایش بدهد. این مسجد ۲۰ سالی هم می‌شود که خیریه‌ای دارد که ۱۰۰ خانوار نیازمند این محدوده را تحت پوشش دارد و هر ۴۵ روز یکبار بسته‌های مواد غذایی را به در خانه‌های‌شان ارسال می‌کند. ستاری می‌گوید: «در زلزله ولی هم بیکار ننشستیم و ۲ کامیون خاور و یک نینسان پر از کالاهای مورد نیاز را برای زلزله‌زدگان ارسال کردیم.»



کار خوب

مریم باقرپور؛ روزنامه‌نگار

گردشگری با طعم نیکوکاری؛ پخت غذا برای همراهان بیماران

فعالیت‌شان در گردشگری و ایرانگردی است. یکی مدیریت هتل را به‌عهده دارد و دیگری مسئول آژانس مسافرتی و توریستی یا پژوهشگر و کارشناس میراث فرهنگی است. اما زمان اجرای کار خیر که می‌رسد همگی دور هم جمع شده، شروع به پخت و پز می‌کنند تا به در راه مانده‌ها کمک کرده باشند. سال ۱۳۹۵، تشکل‌شان را در حوزه گردشگری به ثبت رساندند و نامش را فانوس گذاشتند تا چراغ راهی برای رونق گردشگری و شناخت ناشناخته‌های پایتخت و کشور باشد. صدها نفر از علاقه‌مندان به گردش و تفریح‌اندی تا مدیران هتل‌ها و آژانس‌ها به عضویت گروه درآمدند تا در برنامه‌ها مشارکت داشته باشند. اما در اساسنامه تشکل جز موضوع گردشگری، همراهی و کمک به در راه مانده‌ها هم مطرح نشده بود. به همین دلیل، اعضا در نشست‌های مختلف دورهم جمع می‌شوند تا در کار خیری مشارکت داشته باشند. آخرین بار هم اعضا در روزهای پایانی سال گردهم آمدند تا برای همراهان بیماران که در اطراف بیمارستان‌های رسول اکرم(ص) و امام خمینی(ره) ساکن شده‌اند و هم‌راهمراهی منطقه ۲ غادرست‌کنند و به‌دست‌شان برسانند. انتخاب بیمارستان‌ها و هم‌راهمراهی تکه دوم پایتخت برای اعضای کانون، قرار داشتن دفتر تشکل در خیابان پاترس و مومبیا و نزدیکی به این مراکز درمانی و خدماتی است. بنابراین اعضا قبل موافق‌اولیه را آماده می‌کنند تا ظاهر روز بعد غذای آماده‌شده به‌دست صاحبانش برسد. مهدی زمانی حرف‌خانی، مدیرعامل جمعیت می‌گوید: «وقتی موضوع کمک به در راه‌مانده‌ها مطرح شد، ۶ نفر از اعضا که جزو خیران هستند، تمام هزینه را تقبل کردند. برای پخت‌وپز هم اعضای دبیرخانه دور هم جمع شدند.»

برای پخت‌غذای لذتی برخی از اعضا همراه با رفردان‌شان آمدند. حضور استاد ابوالقاسم سلیمان، از پیشگوستان گردشگری با وجود بیش از ۸۵ سال سن هم قوت قلبی برای اعضاست. او کار اعضا را تحسین می‌کند حتی گوشه‌ای از کار را می‌گیرد. در ادامه، با پخت غذا و بسته‌بندی، ۲۰۰ غذای آماده شده، توسط اعضا بین همراهان بیماران توزیع شد.

زمانی می‌گوید: «تمام اعضا حس خوبی داشتند و افرادی هم که نتوانستند در این برنامه شرکت کنند مدام پیگیر بودند.» او می‌افزاید: «خیلی از ما فکر نمی‌کردیم که همراهان بیماران در چنین شرایطی زندگی می‌کنند و این موضوع باعث شد توجه بیشتری به آنها کنیم و این کار ادامه پیدا کند.»



ساکنان محله زمزم لایق بهترین‌ها

مکت

او آفرزند دارد و مایل است با جای پای او و پدر بزرگ‌شان بگذرانند و برای رفاه و آسایش هم‌محله‌ای‌های خود تلاش کنند. به گفته او، ساکنان محله زمزم لایق بهترین‌ها هستند؛ چرا که افراد زحمتکش زیادی در آن زندگی می‌کنند که با وجود درآمد کم، همیشه در شرایط بحرانی به کمک همنوعان خود شتافته‌اند.

احساس کرد. بزرگ‌ترین مشکل محله زمزم همین خط آهن است و در کنار این موضوع که حریم خط آهن به پاتوق معناتان و کارتن‌خواب‌ها تبدیل شده، محله ما را در بن‌بست قرار داده و دسترسی اهالی را به همه محله‌های منطقه محدود کرده است. از طرف دیگر، بزرگراه شهید چرانی که جنوب محله و بزرگراه‌های شهیدنواب و شهیدای‌تاله سعیدی در شرق و غرب، این محله را در حصار خود گرفته‌اند.»

شرکت راه‌آهن همکاری کند

وی ادامه می‌دهد: «مسئولان شرکت راه‌آهن توجهی به جبهه‌جایی این خط آهن از بافت مسکونی نمی‌کنند و حتی مسئول اضافه کردن یک خط آهن دیگر در اینجا هستند. این درحالی است که ما چشم‌اندازی ۱۰ تا ۱۵ساله می‌توان این خط آهن را جمع‌آوری و اقدام به راه‌اندازی خطوط راه‌آهن در زمین‌های بایر اطراف شهر برای تردد و به ایجاد سرانه‌های مختلف برداخت.» به گفته او خط آهن و بن‌بست بودن محله سبب شده تا بیشتر مالکان، خانه‌های خود را به اتباع بیگانه اجاره دهند و توجهی به نوسازی املاک خود نکنند. درحالی که ساختمان‌هایشان قدمتی بین ۵۰ تا ۷۰سال دارد.

۲معضل مهم محله زمزم

پورعباسی ۲دغدغه بزرگ و مهم دارد؛ ترسد قطارها در بافت مسکونی محله زمزم و فرسودگی بیشتر خانه‌ها در این بخش از منطقه ۱۷. او با اشاره به قرارگیری خط آهن تهران-اهواز در کنار خانه اهالی می‌گوید: «یکبار کارشناسی به محله آوردیم تا میزان لرزه‌ای که قطارها به زمین و خانه‌های اطراف خط آهن می‌اندازند را بررسی کند. او اعلام کرد با حرکت هر قطار از این خط، زمین لرزه‌ای حدوداً ۳ ریشتری در محله زمزم، بلکه در مسجدقبرنی‌هاشم(ع) هم به خانه‌هایی که ۱۵۰متر از خط آهن فاصله دارند،



پای کار می‌آیند. مسئولیت اجرای طرح را هم خودش به‌عهده می‌گیرد و با الگو گرفتن از بیمارستان‌های اطفال کانادا، آمریکا و سوئیس سال ۱۳۴۲ عملیات ساخت بیمارستان آغاز می‌شود.

قهرمان شهر ما بیمارستان ندارد

بیمارستان کودکان تهران شناخته‌ شده اهری می‌شود اولین رئیس نخستین بیمارستان کودکان اهری از ظرفیت مرکز برای تربیت دانشجویان پزشکی استفاده و متخصصان کودک ماهری را به جامعه پزشکی معرفی می‌کند. ربانی می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های دکتر اهری و دکتر قریب که بعدها مسئولیت مرکز طبی کودکان به او واگذار شد این بود که کادر درمانی با اخلاق را جذب کردند. پزشکان جوانی که در این مرکز تحصیلات خود را تکمیل می‌کردند بدون اینکه مستقیماً در درس اخلاق بگیرند با دیدن استادان قدیمی اخلاق و انسانیت در زندگی‌شان جاری می‌شد.»

دکتر حسن اهری ۲ سال بعد از افتتاح مرکز طبی کودکان از دنیا رفت و امروز اگر چه بیمارستانش به نام او خوانده نمی‌شود، ولی جامعه پزشکی و خانواده‌هایی که کودکان بیمارشان را از سراسر ایران برای درمان‌های تخصصی به این مرکز می‌آورند تا سال‌ها مدیون این مرد بزرگ هستند.